



بایدن و دو روی سکه احیای یا سقوط برجام زامبی برجام از نگاه اکونومیست

جوزپ بورل فونتلس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و از معدود دیپلمات‌های ارشد درگیر پرونده مذاکرات احیای برجام که تقریباً همیشه نسبت به احتمال موفقیت روند دیپلماتیک مطمئن بوده است، اکنون می‌گوید که امکان دستیابی به یک توافق "در حال کاهش است."

۲ واقعیت و ۳ نکته مهم

بورل نوشت: «باز هم با امیرعبداللهیان صحبت کرد. احتمال دستیابی به توافق و بازگشت به برجام در حال کاهش است. اما ما هنوز هم می‌توانیم با تلاش بیشتر این کار را انجام دهیم. من به عنوان هماهنگ کننده، در هر زمان آماده هستم تا راه حلی را برای آخرین مسائل باقی مانده تسهیل کنم.»

علی واعظ، کارشناس مذاکرات و رئیس میز ایران در گروه بین‌المللی بحران در تفسیر اظهارات بورل، می‌گوید: «دو چیز می‌تواند همزمان درست باشد: این که امکان توافق در حال کاهش است و اینکه یک امکان هنوز فرصتی برای استفاده است. در هر کدام بدون اینکه بیش از حد هیجانی باشیم، ۳ نکته را باید در نظر داشت.»

وی ادامه داد: «نخست، متن فنی یک توافق کاملاً آماده است. تیم‌های E3 دقیقاً 3 ماه پیش وین را ترک کردند و یک هفته قبل از توقف مذاکرات، "کارشان انجام شد." و متن توافق جدا از تصمیمات دوجانبه نهایی - اما دشوار - که شامل ایالات متحده و ایران می‌شود، کاملاً آماده است.»

واعظ گفت: «نکته دوم، آیا انگیزه اصلی واشنگتن و تهران در احیای برجام - عقب راندن پیشرفت‌های هسته‌ای ایران و رهایی اقتصادی کشور از تحریم‌ها - از آن زمان افزایش یا کاهش یافته است؟ شما قضاوت کنید».

این تحلیلگر افزود: «نکته سوم، هر دو طرف معتقدند که می‌توانند بدون توافق به خوبی کار کنند. برای ایالات متحده، این به معنای تشدید تحریم‌ها، همکاری بیشتر در فعالیت‌های نظامی/اطلاعاتی برای جلوگیری از فعالیت‌های منطقه‌ای ایران است، و شاید همکاری با E3 برای استفاده از مکانیسم اسنپک شورای امنیت سازمان ملل در زمان مناسب. برای ایران، این به معنای تلاش برای درهم‌تنیدگی با یک اقتصاد آشکارا بیمار است، در میان نارضایتی مکرر داخلی، در حالی که به طور بالقوه تنش‌های هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای را برای تشدید اهرم خود افزایش می‌دهد.

واعظ نوشت: «در همین حال، منتقدان توافق از هر طرف هنوز جایگزین‌های جدی ارائه نمی‌کنند، فقط خواسته‌های بیشتر یا دوبرابر کردن سیاست‌هایی که ما را در وهله اول به اینجا رسانده است. وقتی چاله ای حفر کردید، دیگر به دنبال بیل‌های بزرگتر نباشید.

واعظ در پایان این رشته‌توییت نوشت: «وقتی بورل خواستار "تلاش اضافی" است، حق با اوست. از دست دادن شتاب طی سه ماه گذشته، و اکنون نقطه اشتعال بالقوه آژانس بین المللی انرژی اتمی برای عمیق‌تر کردن شکاف، چالش‌های واقعی هستند. و این بدان معنا نیست که عمیق‌تر شدن بن‌بست در خدمت منافع هر کسی نیز هست».



بنا به گزارش اکوایران، در همین راستا، شماره جدید هفته‌نامه اکونومیست در مقاله‌ای با عنوان «زامبی توافق هسته‌ای» نوشته است: توافق منحل‌شده مهار هسته‌ای ایران، سیاست آمریکا را آلوده کرده است.

چهار ماه پیش به نظر می‌رسید که دولت بایدن تصمیم می‌گرفت که اکنون یا هرگز به توافق آسیب‌دیده مهار هسته‌ای ایران بپیوندد. برنامه جامع اقدام مشترک که در زمان باراک اوباما مورد مذاکره قرار گرفت و سپس توسط دونالد ترامپ لغو شد، باید نجات داده می‌شد - همانطور که دولت امیدوار بود - در غیر این صورت کنار گذاشته می‌شد.

از آنجایی که محدودیت زمانی، سخت‌گیری‌هایی که توافق هفت جانبه در مورد برنامه هسته‌ای ایران اعمال می‌کرد، حتی اگر ایرانی‌ها پس از خروج آمریکا از آن تبعیت می‌کردند، فایده کمتری داشت. و این کار را نکردند. ایران 18 برابر مقدار مجاز مندرج در این قرارداد، اورانیوم غنی‌سازی کرده است که بخشی از آن تا درجه خلوص ۶۰ درصد است.

راب مالی، مذاکره‌کننده ارشد جو بایدن درباره این موضوع هشدار داد: «شما نمی‌توانید یک جسد مرده را زنده کنید».

برجام در حال حاضر حتی بیشتر به چالش کشیده شده است. ایرانی‌ها در قبال بازگشت متقابل با آمریکا، درخواست چالش برانگیزی را مطرح کرده‌اند: این که آقای بایدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از فهرست [ادعایی] سازمان‌های تروریستی خارجی موسوم به لیست سیاه FTO حذف کند. بایدن از پذیرش این درخواست خودداری کرد و مذاکرات انجام شده توسط طرف‌های ثالث اروپایی، از آن زمان به بن بست رسیده است، و این در حالی است که سانتریفیوژهای ایران همچنان بیش از حد توافق شده همچنان در حال چرخش هستند.

آقای مالی با حضور در کمیته روابط خارجی سنا در 25 مه گفت که «چشم انداز احیای برجام "در بهترین حالت، ضعیف" به نظر می‌رسد».

### کاهش منافع بالقوه برجام

در همین حال، منافع بالقوه این توافق نیز کاهش یافته است. "بندهای غروب آفتاب" آن، که از سال 2025 به بعد به طور پیوسته برنامه هسته‌ای ایران را از بسیاری از محدودیت‌های برجامی رها می‌کند، تنها دلیل آن نیست. دانش هسته‌ای که ایرانیان در سه سال گذشته به دست آورده‌اند تضمین می‌کند که حتی اگر متقاعد شوند که انباشته اورانیوم خود را کنار بگذارند، می‌توانند آن را دو برابر سریع‌تر دوباره جمع‌آوری کنند.

در سال 2015، زمانی که برجام امضا شد، تصور می‌شد که ایران ماه‌ها تا یک گریز هسته‌ای (یعنی غنی‌سازی اورانیوم کافی برای ساخت یک بمب هسته‌ای) فاصله دارد. انتظار می‌رفت که این قرارداد با نظارت بین‌المللی سرزده که می‌تواند جهان را از هرگونه نقض آگاه کند، این بازه زمانی را یک سال تمدید کند. اگر ایران امروز بخواهد دست به کار شود، تخمین زده می‌شود که می‌تواند چند هفته دیگر این کار را انجام دهد. بازگشت به

این توافق در بهترین حالت می‌تواند حدود شش ماه از آن جلوگیری کند.

تغییر رویکرد آمریکا

با این حال، دولت به جای کنار گذاشتن توافق رو به مرگ، همچنان آن را دنبال می‌کند. ما فکر می‌کردیم که تا فوریه یا اوایل مارس، توافق دیگر ارزش لغو تحریم‌ها را نخواهد داشت. یک مقام ارشد دولت می‌گوید: ما به ارزیابی متفاوتی رسیده ایم. چه چیزی این تغییر ظاهری رویکرد را توضیح می‌دهد؟

تا حدی، جنگ در اوکراین، که دولت را به ویژه از خطر درگیری در خاورمیانه بیزار کرده است. سه درام هسته‌ای همزمان، در کره شمالی، اوکراین و ایران، بسیار زیاد است. با این حال، تغییر لفاظی دولت عمدتاً نشان دهنده یک تاکتیک شکست خورده مذاکره است. و همانطور که برجام دچار زوال شده است، دولت هیچ جایگزین خوبی برای آن نمی‌بیند. شواهد نشان می‌دهد که یک آلترناتیو وجود ندارد.

۲ روی سکه احیای برجام بایدن

برای مخالفان برجام - از جمله تقریباً همه جمهوری خواهان و برخی از سناتورهای دموکرات - هزینه این ترتیبات، از نظر آنها، بیشتر از دستاوردها بود. در ازای محدود کردن برنامه هسته‌ای، ایران از تحریم‌ها تخفیف گرفت. در عین حال، در انواع رفتارهای خارج از محدوده برجام آزاد بود. منطق تصمیم ترامپ برای لغو توافق و فشار بر ایران با تحریم‌های جدید - سیاستی که او آن را "فشار حداکثری" توصیف کرد - این بود که این امر باعث می‌شود که ایران به طور کلی راه خود را اصلاح کند. با این حال، عجله متعاقب ایران برای افزایش ظرفیت هسته‌ای تنها یکی از راه‌هایی است که ایران این کار را انجام نداده است. با این حال، عجله متعاقب ایران برای رسیدن به توافق هسته‌ای تنها یکی از راه‌هایی است که ایران این کار را انجام نداده است. این کشور همچنین برنامه موشک‌های بالستیک و نفوذ منطقه‌ای خود را دوچندان کرد.

آقای مالی در شهادت خود گفت: «به نظریه جایگزینی که منتقدان برجام مطرح کردند، فرصتی داده شد. شکست خورد».



منتقدان توافق از این واقعیت بیمناک هستند. جمهوری خواهان سنا لایحه هایی را برای سیاسی کردن مجدد این موضوع ارائه کرده اند، از جمله لایحه ای توسط تد کروز که آقای بایدن را از ورود مجدد به برجام منع کرده است، که اگرچه به جایی نرسید.

با این حال، او و دیگر جمهوری خواهان فراحزبی این موضوع را به عنوان یک پیروزی در نظر می گیرند. ناکامی در احیای این پیمان، دولت بایدن را ناکارآمد جلوه خواهد داد.

و اگر موفق شود، نه تنها خود را مجدداً به نسخه ضعیفتری از آنچه که آقای ترامپ به عنوان «بدترین توافق تاریخ» توصیف کرد، متعهد خواهد کرد، بلکه آقای بایدن همچنین مجبور می شود اهرم های بیشتری نسبت به او بدهد - در قالب تحریم های اضافی

ترامپ که هنوز هم پابرجا هستند. یک مقام ارشد اذعان می‌کند که جمهوری خواهان در انتظار چشم‌انداز چنین هدیه‌ای هستند.

تضعیف توانایی جهانی آمریکا به دلیل دو قطبی داخلی

این بیش از یک استدلال در مورد اهرم و توانایی رو به کاهش آمریکا برای تحمیل اراده خود بر جهان است (اگرچه قطعاً همینطور است). دموکرات‌ها آن را صرفاً آخرین نمونه از جمهوری خواهان می‌دانند که مسئولیت حل مشکلات جدی را به نفع جست‌وجوی بی‌وقفه اپوزیسیون برای مزیت سیاسی کنار می‌گذارند؛ همانطور که در مورد کنترل اسلحه، تغییرات آب و هوا، اصلاحات مراقبت‌های بهداشتی و سایر مسائل بزرگ.

این شکل دیگری از توان و بازدهی کاهش یافته در سیاست مسموم آمریکاست. دموکرات‌ها با جدیت یک راه حل ناقص را کنار هم می‌چینند. جمهوری خواهان آن را هدر می‌دهند و مشکل را بدتر می‌کنند که به نوبه خود راه‌حل پیگیری دموکرات‌ها را ضعیف‌تر می‌کند، بنابراین حذف کردن آن برای جمهوری خواهان آسان‌تر می‌شود و در نتیجه مشکلات آمریکا - و در این مورد، جهان - افزایش می‌یابد.

هیچ پلن B وجود ندارد

دولت بایدن آشکارا متعهد به احیای توافق هسته‌ای ناقص و اکنون ضعیف شده است. این قابل ستایش است - در واقع هیچ جایگزین خوبی وجود ندارد. در عین حال، باید نیمه‌ترس داشته باشد که در هر صورت، پیش از دوره‌های میان‌دوره‌ای امسال، این موضوع به مرحله‌ی نهایی برسد. هیچ مزیت سیاسی در آن وجود ندارد، فقط کینه توزی. به نظر می‌رسد که این امر ایرانیانی را که اکنون توپ JCPoA در زمین آنها قرار دارد، با انتخاب جالبی روبرو می‌کند. اگر آنها می‌خواستند حداکثر فشار را بر سیستم سیاسی آمریکا در حال شکنندگی اعمال کنند، احتمالاً باید دوباره وارد اصل معامله شوند.